

نقش سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در روابط ایران و عثمانی در دوره کریم خان زند

جواد موسوی دالینی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

چکیده

می نمودند؛ و در این راه واگذاری امتیازاتی به آنان را در دستور کار خود قرار می دادند؛ بنابراین خلیج فارس از یک سو به مثابه گذرگاهی با چندین کارکرد و معبری در آمدزا برای حکومت زند و از سوی دیگر به عنوان دروازه ورود عثمانی به خلیج فارس و محل بارانداز کالاهای اروپایی، عاملی اساسی در جهت تلاش برای افزایش سلطه سیاسی و اقتصادی هر دو حکومت برشمرده می شد. در نتیجه این منطقه به آوردگاهی برای رویارویی اقتصادی و سیاسی ایران و عثمانی در نیمه دوم سده دوازدهم هجری تبدیل شد. سرانجام پس از بازگشت کمپانی هند شرقی انگلیس از بصره به بوشهر بعد از فتح این بندر عثمانی به دستور شهریار زند و به دنبال آن تخلیه بصره در سال ۱۱۹۳ هـ.ق از نیروهای سپاه زند، این تقابل به تعادلی دو طرفه رسید.

کلیدواژه

خلیج فارس؛ اوضاع سیاسی- اقتصادی؛ کریم خان زند؛ عثمانی؛ کمپانی هند شرقی انگلیس.

جدال دیرینه ایران و عثمانی در دوره زندیه با انتقال جبهه نبرد به خلیج فارس بیشتر جنبه های اقتصادی یافت. اشتغال سپاه عثمانی در مرزهای روسیه و تکاپوهای کریم خان زند برای سرکوب مدعیان حکومت و شورشیان داخلی، مجالی برای رویارویی بزرگ نظامی به هیچ یک از این دو دولت نمی داد. از این روی خلیج فارس طی این دوران نقش مهمی در شکل گیری سیاست خارجی دو کشور ایفا نمود. این پژوهش در نظر دارد تا با تکیه بر اسناد و متون تاریخی و با بهره گیری از شیوه توصیفی- تحلیلی نقش سیاسی و اقتصادی خلیج فارس را در چگونگی روند مناسبات ایران عصر کریم خانی با دولت عثمانی مورد بررسی قرار دهد. از این رهگذر آنچه مرکز توجه این پژوهش است، جایگاه اقتصادی و موقعیت سوق الجیشی بندرها و مراکز تجاری خلیج فارس است. هر دو حکومت مورد بحث برای رونق تجارت دریایی خود کوشش فراوانی در فراهم آوردن امنیت تجاری بازرگانان، به ویژه شرکت های تجاری اروپایی

مقدمه

دولت‌های خود در اندیشه گسترش عرصه مناسبات تجاری خویش بودند. لذا هر یک از بندرهای بندرعباس، بوشهر و بصره در صورتی به‌عنوان پایگاه تجاری این شرکت‌ها برگزیده می‌شدند که افزون‌بر تأمین امنیت جانی و مالی کمپانی‌های بازرگانی، امتیازات حقوقی و سرزمینی بیشتری را نصیب این شرکت‌ها می‌کردند (حائری، ۱۳۷۲: ۲۰۷).

در این میان و بخصوص پس از پیروزی انگلستان بر فرانسه در جنگ‌های هفت‌ساله (۱۷۶۳-۱۷۵۶ م.) کمپانی هند شرقی انگلیس به مدعی بلامنازع تجارت با شرق تبدیل شد (ویلسون، ۱۳۱۰: ۱۴۸)؛ بنابراین ایران و عثمانی به نبردی خاموش برای جلب نظر این کمپانی جهت ایجاد تجارت‌خانه و تأسیسات بازرگانی روی آوردند. تداوم دادوستد بازرگانان ایرانی با کمپانی‌های اروپایی نه تنها باعث رونق اقتصادی ایران می‌شد، بلکه میزان درآمدهای حکومت را در این نواحی که بخشی از آن از طریق عوارض گمرکی و مالیات بر تجارت تأمین می‌شد، بیشتر می‌کرد. از طرفی تجهیزات نظامی و کشتی‌های مجهز این شرکت‌ها عاملی دیگر به‌ویژه برای کریم‌خان زند به شمار می‌رفت که در صدد سرکوب و از میان برداشتن مدعیان و سران قبایل خودمختار سواحل خلیج فارس بود. افرادی چون امامان مسقط، میرمهنّا و شیخ سلمان کعبی به سبب قدرت دریایی خود حاضر به اطاعت همه‌جانبه از حکومت زند نبودند (نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۳۵-۱۲۷؛ پری، ۱۳۸۳: ۲۳۸).

بنابراین خلیج فارس در این دوره به مرکز توجه ایران و عثمانی برای نیل به اهداف سیاسی و اقتصادی تبدیل شد. دقت نظری که خود را ابتدا به‌صورت رقابت‌های تجاری میان بندرهای بوشهر و بصره نمایان ساخت؛ و در نهایت اتخاذ راه‌حل حمله نظامی توسط کریم‌خان برای احیای روند حیات اقتصادی بوشهر در برابر رونق روزافزون بصره، موجب تعدیل جایگاه تجاری هر دو بندر مهم خلیج فارس شد.

دگرگونی شرایط تاریخی در سده دوازدهم هجری / هجدهم میلادی که گویای گسترش حاکمیت جهان سرمایه‌داری بود، تأثیرات چشمگیری بر ویژگی‌های داخلی و خارجی شرق از جمله ایران و عثمانی بر جای گذاشت. آغاز به کار حکومت زندیه، با نخستین مراحل اوج‌گیری استعمار سرمایه‌داری و بورژوازی غرب هم‌زمان شد. یکی از نتایج این تقارن زمانی تکاپوهای سوداگرایانه شرکت‌های بازرگانی اروپایی در سایه حمایت نظامی دولت‌های متبوعشان بود. در این میان هم ایران و هم عثمانی به سبب مشکلات عدیده داخلی، توان چندانی برای برنامه‌ریزی دقیق در برابر امواج این دگرگونی‌ها نداشتند.

از طرفی هرج و مرج داخلی ایران پس از سقوط صفویه و به دنبال آن آشفتگی بعد از مرگ نادر، باعث کاهش توجه حکمرانان ایرانی به مسائل خلیج فارس شد. در نتیجه، چنین روندی به قدرت‌یابی و طغیان برخی نواحی مانند عمان و سرکشی بعضی سران قبایل نظیر میرمهنّا و شیخ سلمان کعبی در برابر حکومت مرکزی ایران در دوره زندیه انجامید (نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۷۷-۱۷۵؛ کسروی، ۱۳۷۳: ۱۴۶). در عثمانی نیز به علت نبردهای فرسایشی با روسیه در مرزهای شمالی، قدرت پاشاهای بغداد روزبه‌روز بیشتر می‌شد. استقلال رأی پاشاهای بغداد در روزگار مورد بحث به میزانی رسید که آنان اغلب تصمیمات سیاسی و اقتصادی خود به‌ویژه در قبال ایران را بدون مشورت و گرفتن تأیید باب عالی اتخاذ و اجرا می‌نمودند (هامرپورگشتال، ۱۳۶۹: ۳۶۱۷-۳۶۱۹)؛ اما آنچه زمینه‌های توجه هر چه بیشتر ایران و عثمانی نسبت به مسائل خلیج فارس را فراهم می‌کرد، نقش درآمدزایی تجارت دریایی و به‌ویژه بازرگانی و دادوستد با شرکت‌های اروپایی بود. کمپانی‌های اروپایی با برخورداری از حمایت

پررنگ‌تر از قبل می‌شود، بهتر شناخته خواهد شد. هدف دیگر این بررسی بیان و تأیید حاکمیت ایران بر خلیج فارس در دوره تاریخی مورد بحث است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، به شیوه کتابخانه‌ای است. بدین معنا که منابع اصلی و پژوهش‌های جدید و همچنین مقالات تحقیقی که در کتابخانه‌ها، مجلات و پایگاه‌های اینترنتی موجود است، مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ و پس از مطالعه هر کتاب یا مقاله از مطالبی که با موضوع پژوهش در ارتباط هستند فیش برداری می‌شود. سپس فیش‌ها بر اساس توالی و تقارن و تقارب زمانی دسته‌بندی می‌شوند. در مرحله بعد اطلاعات فیش‌برداری شده تصفیه و پالایش می‌شوند؛ یعنی از نظر ترجیح به سند (اصالت و اعتبار روایت) و ترجیح به راوی (بررسی صداقت و اعتبار راوی یا مورخ) مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند. پس از این مرحله اطلاعات فیش‌ها به صورت علمی و عقلی و غیرجانبدارانه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. سپس حاصل این ارزیابی‌ها به شکلی روشن و شیوا و ساده به رشته تحریر درآورده می‌شود.

۱. اهمیت سیاسی-تجاری خلیج فارس در دوره زندیه

موقعیت سوق الجیشی خلیج فارس همواره موجبات اهمیت سیاسی-تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای آن را فراهم آورده است. در عصر زندیه به دنبال پیامدهای انقلاب صنعتی در اروپا و رویکرد دولت‌های اروپایی نسبت به شرق به جهت تأمین مواد خام و بازار مصرف، خلیج فارس به‌عنوان گذرگاهی با چندین کارکرد، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت. این روند به‌ویژه پس از تسلط انگلستان بر هندوستان سرعت دوچندان یافت. چراکه مسیر آسان و سریع عبور از شرق به غرب از راه دریایی خلیج فارس، باراندازها و بندرهای نواحی جنوبی ایران می‌گذشت. در این بین افزایش شورش‌ها و درگیری‌های داخلی از یک طرف و رقابت بریتانیا و فرانسه که یکی از جبهه‌های این نبرد در خارج از مرزهای اروپا، خلیج فارس بود از طرف

پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه صورت پذیرفته، هر یک به مسائلی چند در باب خلیج فارس پرداخته‌اند. هر کدام از این تحقیقات با توجه به حوزه بررسی و محدوده زمانی آن، در جای خود ارزشمند هستند. از جمله پژوهش‌های خارجی می‌توان به «خلیج فارس» تألیف آرنولد ویلسن^۱، «کریم‌خان زند» اثر جان. ر. پری^۲، «تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عراق» نوشته استیون همزلی لانگریگ^۳ و «بنو کعب عشایر مرزنشین جنوب خوزستان: از برآمدن تا برافتادن» تألیف ویلم فلور^۴ اشاره کرد. در این زمینه مورخان و محققان ایرانی نیز دست به نوشتن آثاری برده‌اند. منابع دست اولی چون «تاریخ گیتی گشای زندیه» تألیف میرزا محمدصادق موسوی متخلص به نامیو «گلشن مراد» نوشته قاضی احمد بن محمد غفاری کاشانی که از لحاظ زمانی به دوره مورد بحث نزدیک‌تر هستند، از اهمیت پژوهشی ویژه‌ای برخوردارند. پژوهشگران ایرانی معاصر نیز در این زمینه به قلم‌فرسایی پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به «نقش بصره و بندرهای کرانه‌های شمالی خلیج فارس در روابط ایران و عثمانی» نوشته غلامحسین نظامی، «تاریخ ایران در سده یازدهم و دوازدهم هجری» تألیف علی‌اصغر شمیم، «تاریخ پانصدساله خوزستان» اثر احمد کسروی، «کریم‌خان زند» تألیف عبدالحسین نوایی و ... اشاره کرد.

اهداف و ضرورت تحقیق

شناخت شرایط سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در دوره‌های تاریخی مختلف، تحلیل بهتر مناسبات گوناگون دول همسایه و مؤثر در تحولات این گذرگاه آبی مهم ایران را ممکن می‌سازد؛ بنابراین یکی از ضرورت‌ها و اهداف این پژوهش این است که با تحلیل روند مناسبات ایران و عثمانی در دوران زند، علل اهمیت روزافزون خلیج فارس و بندرهای آن در ادوار بعد، به‌ویژه عصر قاجار که حضور استعمار بسیار

1. Arnold Talbot Wilson
2. John R. Perry
3. Stephen Hemsley Longrigg
4. Willem M. Floor

۲. تأثیر تحولات داخلی و خارجی عثمانی بر اوضاع اقتصادی خلیج فارس

هم‌زمان با روی کار آمدن زندیان در ایران، دولت عثمانی به سبب نبردهای متوالی با روسیه ضعف روزافزونی را تجربه می‌کرد. شکست عثمانی از روس‌ها و انعقاد قرارداد کوچوک قینارجه در ۱۱۸۸ ه.ق / ۱۷۷۴ م. که به موجب آن نواحی کریمه از زیر نفوذ عثمانی خارج می‌شد، به مثابه نقطه عطفی در روابط این کشور با روسیه برشمرده می‌شد (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹: ۳۶۱۹-۳۶۱۷). از طرفی یکی از نتایج این شکست، قدرت‌یابی پاشاهای بغداد در برابر باب عالی بود (نوایی، ۲۰۵: ۱۳۴۰). روند استقلال سیاسی و اقتصادی منطقه بین‌النهرین از سیطره تصمیمات دربار عثمانی که از چند دهه پیش از آن آغاز شده بود، در این دوره با تلاش‌های پاشاهای بغداد و حمایت‌های آنان از رونق تجاری در مناطق جنوبی به‌ویژه بصره سرعت بیشتری یافته بود. حرکت مستقلانه پاشاهای بغداد از دربار عثمانی از دوره احمد پاشا در سال ۱۱۳۶ ه.ق / ۱۷۲۳ م. آغاز شد و به تدریج قوام یافت. در عصر کریم‌خان زند، عمرپاشا به مدت سیزده سال (۱۱۹۰-۱۱۷۷ ه.ق) ضمن حفظ قدرت، کوشش فراوانی برای انسجام سیاسی و اقتصادی عراق در برابر ایران به خرج داد. بصره به‌عنوان یکی از مناطق درآمذزای بین‌النهرین اهمیت بسزایی در تداوم حیات سیاسی پاشاهای بغداد داشت. از این روی با دگرگونی سیاسی در بغداد، اوضاع بصره نیز متحول می‌گشت (پری، ۱۳۸۳: ۲۴۶-۲۴۵)؛ لذا باید گفت حاکمان بصره با لقب «متسلم» در واقع مأمور اجرای سیاست‌های پاشاهای بغداد بودند (زنکته، ۱۳۷۷: ۳۶). از طرف دیگر نگاه مثبت شرکت‌های تجاری اروپایی به بصره به‌عنوان بندرگاهی برای فروش و صدور محصولات خود از شرق به غرب و عکس آن، موجب شد حکومت بغداد به ایجاد امنیت این نواحی توجه بیشتری نشان دهد (پری، ۱۳۸۳: ۲۴۸-۲۴۶). سلیمان پاشا با درک منافع اقتصادی حضور کمپانی‌های بازرگانی در بصره، تمایل زیادی به برقراری مناسبات تجاری با شرکت‌های انگلیسی داشت. از سوی دیگر و با

دیگر، باعث افول تجارت در بندرعباس شد. پس از آن بوشهر به‌عنوان مرکز اصلی بازرگانی ایران توسط انگلیسی‌ها برگزیده شد که نتیجه آن انعقاد قراردادهایی میان دولت زند و کمپانی هند شرقی انگلیس بود (ویلسون، ۱۳۱۰: ۱۴۸-۱۴۷).

در سطح منطقه‌ای نیز نباید هوشیاری نادرشاه افشار را برای تأسیس نیروی دریایی از نظر دور داشت؛ اما تلاش‌های شاه افشار برای ایجاد یک ناوگان نیرومند با تأخیر زمانی نسبتاً زیادی آغاز شد و به نتیجه مطلوب نینجامید (بازن، ۱۳۶۵: ۴۳؛ لاکهارت، ۱۳۵۷: ۲۷۲-۲۶۹). پس از وی، کریم‌خان زند با آگاهی از ضعف توان دریایی و دریانوردی خود، در صدد برآمد راه‌های دیگری برای حفظ تمامیت سیاسی و افزایش رونق اقتصادی و تجاری بندرهای خلیج فارس بیابد. از طرفی توسعه‌طلبی و قدرت‌یابی روزافزون امامان مسقط، خودسری‌های برخی سران قبایل و خودداری آنان از پرداخت مالیات مقرر (نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۷۷-۱۷۵؛ وره‌رام، ۱۳۶۶: ۶۵) که همگی از روزگار آشوب و عدم تمرکز قدرت سیاسی پس از صفویه و به دنبال آن بعد از مرگ نادر نشأت می‌گرفت، زمینه‌ساز توجه جدی شهریار زند به مسائل سواحل جنوبی ایران شد.

در کنار این عوامل تمایل دولت عثمانی و پاشاهای بغداد به جلب نظر کمپانی‌های اروپایی برای فعالیت و تأسیس تجارت‌خانه در بندر بصره، مانعی جدی در برابر اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی کریم‌خان بود (پری، ۱۳۸۳: ۲۴۴؛ شعبانی، ۱۳۷۷: ۳۳۵-۳۳۴). از این روی در دوره مورد بحث خلیج فارس و بندرهای موجود در آن نقشی اساسی در شکل‌گیری مناسبات سیاسی ایران، عثمانی و کمپانی‌های اروپایی به‌ویژه شرکت‌های تجاری بریتانیایی مستقر در هندوستان داشت. اهمیتی که باعث ایجاد فراز و نشیب‌هایی سیاسی-تجاری میان ایران عصر زند با انگلیس و حکومت عثمانی گردید. چراکه طی این دوره بیشترین دادوستدهای تجاری ایران و شرکت‌های تجاری غرب با دیگر مناطق از طریق آبراه خلیج فارس صورت می‌گرفت.

لشکرکشی به علت همراهی نکردن حاکم بصره با اردوی نظامی ایران به سبب ترس از سپاه پر شمار کریم خان که در این زمان در کنار مرزهای بصره قرار داشت از یک سو و تقاضای عفو شیخ سلمان از خان زند از سوی دیگر، باعث شد کریم خان بیش از پیش خطر حضور رقیبان سیاسی و تجاری را در خلیج فارس احساس نماید (نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۳۵-۱۳۲؛ فرامرزی، ۱۳۴۶: ۲۹-۳۱)؛ بنابراین از یک طرف با تدابیر نظامی در صدد سرکوب مخالفان و تضعیف دولت عثمانی در بصره برآمد و از طرف دیگر اندیشه جلب نظر کمپانی‌های اروپایی با عقد قراردادهایی و واگذاری برخی امتیازات تجاری به آنان را در دستور کار خود قرار داد؛ اما باید اذعان داشت که این رویکرد شهریار زند در مواجهه با مسائل خلیج فارس بیشتر جنبه اقتصادی داشت (حائری، ۱۳۷۲: ۲۰۷). به بیان دیگر تلاش خان زند برای تصرف بصره و به دنبال آن سرکوب رؤسای حاکم بر عمان افزون بر انجام هدف حفظ حاکمیت سیاسی ایران بر نواحی جنوبی خلیج فارس، ضربه زدن بر پیکره در حال گسترش اقتصاد بصره بود. در واقع دولت عثمانی وجود برخی مخالفان کریم خان را در سواحل خلیج فارس برای تضعیف تجارت بندرهای ایرانی لازم می‌دید؛ بنابراین جای تعجب نیست که فرمان تصرف بندر بصره توسط کریم خان، آن هم در دوره‌ای که مناسبات بازرگانی در خلیج فارس رشد بی‌نظیری داشته صادر شود.

۴. علل تصرف بندر بصره توسط سپاه زند

اوج منازعات اقتصادی و سیاسی ایران با دولت عثمانی در دوره زندیه، رویداد فتح بصره به وسیله سپاه کریم خان زند بود. مورخان و محققان مختلفی در بررسی این واقعه، علل و عوامل چندی را مورد توجه و کنکاش قرار داده‌اند. عواملی چون انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی، مذهبی و نگاه هر دو دولت به مناسبات بین‌المللی به ویژه روابط تجاری در این ارزیابی‌ها قابل تأمل است؛ اما باید گفت موارد یاد شده بر اساس اهمیت و نقش مؤثر خود در شرایط تاریخی آن روزگار قابل تقسیم‌بندی و درجه‌گذاری هستند. بر این

توجه به نابسامانی‌های بندرهای جنوبی ایران، انگلیسی‌ها چنین فرصتی را غنیمت مرده و به انعقاد قرارداد بازرگانی با دولت عثمانی دست یازیدند. مجموع عوامل یاد شده موجب شد بصره به مرکز توجه کشتی‌های تجاری در خلیج فارس تبدیل شود و بندرهای ایرانی روز به روز رونق پیشین خود را از دست بدهند (شعبانی، ۱۳۷۷: ۳۳۵-۳۳۴؛ امین، ۱۳۷۰: ۸۸-۸۵؛ نظامی، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

۳. آگاهی کریم خان زند نسبت به اهمیت سیاسی و اقتصادی خلیج فارس

درگیری‌های میان امرا و سران قبایل جنوب ایران و آشفته‌گی حاصل از آن در بازه زمانی مرگ نادر تا روی کار آمدن کریم خان زند، افزون بر آسیب‌های اجتماعی داخلی، در عرصه منطقه‌ای نیز زیان‌های چندی به همراه داشت. نتایج سیاسی و برون‌مرزی چنین روندی خود را به اشکال مختلفی چون افزایش نفوذ و سلطه کمپانی‌های اروپایی و نبرد آنان با یکدیگر در سواحل خلیج فارس و نیز اقدامات خودسرانه میرمهنای و دیگر قبایل نظیر بنی کعب در جزایر و سواحل خلیج فارس جلوه نمود (زنکنه، ۱۳۷۷: ۳۶-۲۸؛ رجبی، ۱۳۵۵: ۱۰۱-۱۰۰). از بعد اقتصادی نیز تضعیف موقعیت تجاری بندرعباس و جایگزینی بندر بوشهر به جای آن حاصل دگرگونی‌های یاد شده بود؛ اما آنچه زیان افول تجارت و بازرگانی را در خلیج فارس بیشتر می‌کرد، رونق روزافزون بصره به عنوان رقیب تجاری بوشهر بود. در نتیجه کریم خان برای احیای مجدد بازرگانی بندرهای ایرانی خلیج فارس با پیشنهاد پاشای بغداد مبنی بر سرکوب شیخ سلمان، رئیس قبیله بنی کعب موافقت نمود (فلور، ۱۳۹۲: ۴۶-۴۴). ظاهراً کریم خان به دلایلی چون عدم پرداخت مالیات و خراج به دولت مرکزی ایران از سوی شیخ سلمان و نیز به سبب قدرت دریایی این قبیله در نواحی جنوبی که زمینه سرکشی و خودمختاری وی را فراهم می‌نمود، پیشنهاد پاشای بغداد را پذیرفته است (نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۲۷-۱۲۶؛ کسروی، ۱۳۷۳: ۱۴۶؛ شمیم، ۱۳۱۶: ۱۲۰)؛ اما ناکامی شهریار زند در این

بود (یاحسینی، ۱۳۷۴: ۳۶)؛ اما عدم همکاری نیروهای نظامی کمپانی با کریم‌خان در جریان دفع میرمهنا موجب سردی روابط دو طرف شد. از طرفی مقارن همین دوران انگلیسی‌ها با تأسیس یک مرکز بازرگانی در بصره بدون نگرانی بوشهر را رها کرده و به بصره نقل مکان نمودند. همین امر سبب رنجش بیش‌ازپیش شه‌ریار زند گردید. خروج بازرگانی انگلیس از بندرهای ایرانی به‌منزله پایان یافتن درآمدهای حکومت مرکزی از تجارت این نواحی و کاهش درآمدهای مالیاتی آن بود. به‌عبارت دیگر یکی از علل بنیادین آغاز نبرد بصره توسط سپاه زند، افول تجارت بوشهر و رونق بازرگانی بصره بود (طاهری، ۱۳۵۴: ۲۶۹؛ حائری، ۱۳۷۲: ۲۱۰-۲۰۸).

۲.۴. مقابله با تعدیات کارگزاران عثمانی در عراق

دولت عثمانی نیز بسان حکومت مرکزی ایران در پی افزایش سلطه سیاسی و تجاری خود در مسیرهای آبی و حوزه‌های بازرگانی ساحلی خلیج‌فارس بود. اگرچه پاشاهای بغداد به سبب ضعف باب عالی در پی کسب استقلال نسبی از دربار عثمانی بودند، اما آنان نیز در باب رویارویی همه‌جانبه با حکومت زندیه با دیدگاه دولت عثمانی همراه و هم‌رأی بودند؛ بنابراین به طرق مختلف اسباب ضعف و تحقیر رقیب خود را فراهم می‌ساختند. مجموع عواملی که سبب تیرگی روزافزون روابط ایران و عثمانی در دوره کریم‌خان شد و درنهایت به نبرد بصره انجامید، همگی نشان‌دهنده اهمیت راه‌های تجاری و زیارتی بین‌النهرین و خلیج‌فارس است. نخستین حرکت زیاده‌خواهانه بغداد، در حادثه شیوع طاعون ۱۱۸۶ ه.ق/ ۱۷۷۳ م. روی داد. عمر پاشا در این رخداد نه تنها اقدامی در جهت حفظ اموال جان‌باختگان ایرانی صورت نداد، بلکه دستور توقیف و ضبط اموال زائران ایرانی را صادر کرد. همچنین برخلاف رسوم و معاهده‌های پیشین دو کشور، از حجاج ایرانی که از طریق عراق عازم مکه می‌شدند، مبالغی می‌گرفت (فرامرزی، ۱۳۴۶: ۴۳-۴۰). این اقدامات هرچند واکنش شدید خان زند را به دربار عثمانی به همراه داشت، اما

اساس می‌توان مهم‌ترین عامل را نقش درآمذزایی بندرهای خلیج‌فارس برای دولت‌هایشان دانست. نقشی که از اواسط عصر کریم‌خان از بوشهر به بصره منتقل شد.

۱.۴. برتری جایگاه تجاری بصره در مقایسه با بندرهای ایرانی خلیج‌فارس

اگرچه کریم‌خان زند نسبت به برقراری روابط سیاسی- تجاری با اروپاییان به دیده شک و تردید می‌نگریست، (نوایی، ۱۳۴۰: ۱۹۹-۲۰۰) اما تمایل وی به پیشرفت کشور بر پایه بازرگانی و تجارت موجبات گرایش وی به حضور شرکت‌های تجاری اروپایی در ایران را فراهم می‌ساخت. از همین رهگذر بود که زمینه برای انعقاد پیمان‌نامه‌های تجاری میان کمپانی‌های هلندی و فرانسوی با ایران به وجود آمد. هدف خان زند از عقد چنین قراردادهایی در درجه اول رفع احتیاجات سپاه ایران به پارچه‌های ساخت کارخانه‌های فرانسه و پس از آن بهره‌گیری از کمک‌های نظامی فرانسه برای از میان برداشتن سلطه میرمهنا بر جزیره خارک بود (نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۶۲؛ هدایتی، ۱۳۳۴: ۲۴۶-۲۳۷؛ حائری، ۱۳۷۲: ۲۰۵)؛ اما شرایط بین‌المللی به وجود آمده به‌ویژه پس از جنگ‌های هفت‌ساله مسیر مناسبات تجاری ایران با اروپا را تغییر داد (ویلسون، ۱۳۱۰: ۱۴۸). از همین زمان بود که عملاً مدعی بدون رقیب تجاری و سیاسی در اقیانوس هند و خلیج‌فارس انگلستان بود؛ بنابراین کریم‌خان زند برای جلب رضایت سوداگران بریتانیایی فرمانی مبنی بر اعطای امتیازات سرزمینی و حقوقی به‌طرف تجاری خود صادر نمود. طبق این فرمان کمپانی‌های انگلیسی هر نقطه از بوشهر و یا هر بندر دیگری از خلیج‌فارس را که لازم داشتند می‌توانستند برگزینند؛ و در هر قسمت از قلمرو ایران نیز قادر به ساخت کارخانه بودند (حائری، ۱۳۷۲: ۲۰۸-۲۰۷). باید گفت هدف اصلی خان زند از بستن چنین قراردادی در درجه نخست رونق تجارت بوشهر و پس از آن مقابله با خودسری‌های شورشیانی چون میرمهنا

عاملی مؤثر در تیرگی روابط ایران و عثمانی عنوان کرده‌اند (آصف، ۱۳۵۲: ۳۹۸-۴۰۰؛ شعبانی، ۱۳۸۱: ۱۸۲؛ رجبی، ۱۳۵۵: ۱۰۱، کشمیری، ۱۳۵۰: ۱۰۸-۱۰۴).

اگرچه دولت عثمانی اقدام کریم‌خان را حرکتی تجاوزکارانه قلمداد نمود (دوری، ۱۳۷۹: ۲۵) اما باید به این نکته نیز توجه داشت که در صورت سکوت خان زند در برابر تعدیات گوناگون همسایه غربی و حمایت‌های آنان از شورشیان و مخالفان حکومت مرکزی، نه تنها رونق تجاری بندرهای ایرانی از بین می‌رفت، بلکه تداوم سلطه سیاسی زندیان بر نواحی جنوبی ایران به‌ویژه خلیج فارس نیز مورد تهدید قرار می‌گرفت؛ بنابراین و به‌زعم کریم‌خان مؤثرترین اقدام برای مقابله با رویکرد برتری جویانه پاشای بغداد و نیز به‌منظور سرکوب متمرّدانی چون امامان مسقط، تصرف منطقه سوق الجیشی بصره در شمال غربی خلیج فارس بود.

۳.۴. نتایج حضور کمپانی‌های انگلیسی در رونق تجاری بندر بوشهر

نخستین مزیت حضور کمپانی‌های انگلیسی برای ایران عصر زند، تأمین مایحتاج کالایی بود که پیش‌ازین توسط شرکت‌های هلندی و فرانسوی فراهم می‌شد؛ اما مهم‌ترین نتیجه ورود کشتی‌های تجاری انگلیسی به بوشهر، سرازیر شدن سرمایه و عوارض گمرکی و مالیات بر تجارت به خزانه دولت مرکزی ایران بود. احتمالاً به سبب چنین عواملی و در نتیجه کاهش رونق اقتصادی بندر بصره بود که کریم‌خان حاضر به اعطای امتیازات حقوقی نظیر کاپیتولاسیون به کارکنان شرکت تجاری انگلیسی شده است. گویا برداشت خان زند از واگذاری چنین امتیازی رعایت عدالت در کشور تحت امر خویش به شمار می‌رفته است. اگرچه خطر روزافزون استعمار انگلیس که حرکت خود را از هندوستان آغاز کرده بود، با گذشت زمان شدت می‌یافت، اما ظاهراً کریم‌خان به‌سبب تمایل فراوان به همکاری کمپانی یادشده و استفاده از توانایی‌های نظامی آنان،

«عمر پاشای مذکور گوش را پنبه غرور انباشته اموال را مالک و درباره رد آنها معاذیر ناموجه متمسک و مسالک تمرد را سالک شد» (نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۸۱).

یکی دیگر از عوامل مهمی که محرک کریم‌خان در حمله به بصره شد، تمرد امام مسقط علیه حکومت مرکزی ایران بود. در این بین تقاضای خان زند برای عبور سپاه ایران از بصره به‌جانب عمان با مخالفت عمرپاشا مواجه شد. کارشکنی‌های پاشای بغداد تا بدان جا پیش رفت که افزون‌بر ممانعت از گذار ارتش شهریار زند، به یاری شورشیان عمان از طریق ارسال آذوقه و دیگر کمک‌ها دست زد. در نتیجه کریم‌خان ضمن ارسال نامه‌ای به باب عالی یکی از علل اصلی حمله خود به بصره را همکاری پاشای بغداد با امام عمان مطرح کرد (نصیری، ۱۳۵۴: ۲).

اقدام دیگر عمرپاشا دخالت در امور سیاسی کردستان بود که توسط حاکم تحت‌الحمایه ایران اداره می‌شد. به‌طورکلی مورخان عصر زندیه و اوایل عهد قاجار بر نقش عوامل یادشده در تصمیم کریم‌خان مبنی بر پایان دادن به تسلط عمرپاشا بر بصره وحدت نظر دارند (جزایری، ۱۳۶۳: ۱۳۵؛ نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۸۳-۱۸۲؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۱۱۷۹). از طرفی آنچه کریم‌خان را در اجرای تصمیم خود مصمم می‌نمود، پیمان‌شکنی عمرپاشا در جریان حمله مشترک ایران و عثمانی برای سرکوب و از میان بردن سلطه دریایی شیخ سلمان کعبی بود. وجود شیخ سلمان به سبب اقدامات خودمختارانه، عدم پرداخت مالیات و خراج و نیز به علت نیرومند بودن در دریانوردی و نبردهای دریایی از جانب هر دو حکومت به‌عنوان تهدیدی جدی تلقی می‌شد؛ اما علی‌رغم موافقت کریم‌خان با پیشنهاد پاشای بغداد و حرکت خان زند به مرز بصره، عمر پاشا هیچ اقدامی برای یاری نیروهای ایرانی انجام نداد (نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۳۵-۱۲۷؛ فلور، ۱۳۹۲: ۴۶-۴۴؛ امین، ۱۳۷۰: ۱۲۰-۱۱۹). برخی مورخان و بعضی محققان جدید نیز مواردی چون اعدام میرمهنا به دستور حکومت بغداد و بدون رضایت و اطلاع دربار ایران را

کمر تهدید حضور استعمار را در نظر داشته است (حائری، ۱۳۷۲: ۲۰۹-۲۰۸؛ فلور، ۱۳۹۲: ۵۰).

اما عدم همراهی و همکاری کمپانی با نیروهای ایرانی در جریان سرکوب میرمهنّا در سال ۱۱۸۱ هـ.ق/۱۷۶۷ م. باعث تغییر دیدگاه کریم‌خان نسبت به نوع تجارت با اروپایی‌ها در خلیج فارس شد و دستور داد در عوض کالاهای انگلیسی هیچ پولی از ایران خارج نشود و انگلیسی‌ها تنها می‌توانند کالاهای خود را با اجناس ایرانی معاوضه کنند. با آنکه هر دو طرف تمایلی برای آغاز دوباره روابط نداشتند، اما آنچه باعث نزدیکی مجدد آنان می‌شد، توانایی هریک برای رفع نیازهای دیگری بود (همان: ۲۱۰-۲۰۹). سرانجام کریم‌خان در برابر تعهد کمپانی مبنی بر ارسال کمک نظامی به خلیج فارس برای سرکوب شیخ سلیمان، قول واگذاری جزیره خارک را به انگلیسی‌ها داد (هدایتی، ۱۳۳۴: ۲۳۵-۲۳۲). چنین قراردادی اگرچه به زیان ایران بود، اما ظاهراً هدف خان زند از این اقدام رونق تجاری این جزیره در برابر پایگاه تجاری عثمانی یعنی بندر بصره بوده است. به هر روی به سبب رفع دشواری‌های مربوط به میرمهنّا در جزیره خارک، این جزیره به انگلیسی‌ها داده نشد. از این رو کمپانی در مقابل این اقدام حکومت زند، از دولت خود درخواست کمک کرد و با موافقت ضمنی لندن مواجه شد. به دنبال بروز چنین نابسامانی‌هایی در مناسبات دو طرف، کمپانی تصمیم به ترک بوشهر و نقل مکان به بصره گرفت. تمرکز فعالیت‌های بازرگانی کمپانی هند شرقی انگلیس در بصره، ضربه سختی بر پیکره سیاست‌های اقتصادی کریم‌خان وارد کرد. هرچند حیدرعلی حاکم ایالت میسور هند و از دشمنان استعمار انگلیس، ضمن پیشنهادهایی ایجاد یک مرکز بازرگانی در سواحل ایران و ارسال کمک‌های نظامی دریایی به ایران را به کریم‌خان تقدیم کرد، اما گویا خان زند نتایج حضور تجاری انگلیسی‌ها را در بصره بسیار زیان‌آورتر از فواید برقراری ارتباط با حاکم میسور هند می‌دید (حائری، ۱۳۷۲: ۲۱۳-۲۱۲). در نهایت راه‌حل نهایی جبران ضربه اقتصادی و بازگرداندن شرکت اروپایی به بندرهای ایرانی، فتح بصره دانسته شد.

سپاه ایران حتی در جریان فتح بصره، آسیبی به دارایی‌های کمپانی هند شرقی انگلیس وارد نساخت. به نوشته سرجان ملکم، صادق‌خان زند «در رعایت خاطر انگریزانی که در آن بلد بودند می‌کوشید. روزی به وکیل انگریز گفت که در همه بصره فقط جایی که قابل سکونت من است خانه تُست، اما احترام من به ملت انگریز به قدری است که اگر دیوار این خانه از طلا بود از تو نمی‌گرفتم» (ملکم، ۱۳۶۲: ۷۵/۲).

نتیجه‌گیری

اوضاع سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در عصر زندیه (سده دوازدهم هجری / هجدهم میلادی) تحت تأثیر دگرگونی‌های بین‌المللی در اروپا قرار گرفت. گسترش اندیشه سرمایه‌داری و تفکر بورژوازی در غرب، موجب افزایش گرایش‌های شرکت‌های بازرگانی نسبت به شرق شد که دارای منابع غنی مواد خام بود. در این میان خلیج فارس به سبب موقعیت ممتاز جغرافیایی و به دلیل دارا بودن بندرهای مهمی چون بندرعبّاس، بوشهر و بصره، به‌عنوان گذرگاهی برای انتقال کالا و ثروت و جابه‌جایی نیروهای اروپایی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت. از طرفی حکومت زند که وارث هرج و مرج پس از مرگ نادر بود، برای بازیابی توان مالی خود، درآمدهای حاصل از بازرگانی در خلیج فارس را بسیار مهم قلمداد نمود. دولت عثمانی نیز به سبب اینکه بصره دروازه ورود عثمانی به آب‌های آزاد شرق بود، خواهان تمرکز شریان‌های تجاری خلیج فارس در بصره بود. از این رو هر دو کشور تلاشی مضاعف در جلب نظر شرکت‌های تجاری اروپایی برای ایجاد مراکز بازرگانی در بندرهای خود می‌کردند. اگرچه در آغاز این بندر بوشهر بود که گوی سبقت را از رقیب خود ربود، اما در ادامه به دلیل همکاری نکردن کمپانی هند شرقی انگلیس با مقاصد و اهداف کریم‌خان که خواهان سرکوب یاغیان و سرکشان خلیج فارس بود، بصره به‌عنوان پایگاهی بعدی و اصلی انگلیسی‌ها برگزیده شد. نقل مکان انگلیسی‌ها به بصره به معنی پایان درآمدهای کریم‌خان

- شمیم، علی اصغر. (۱۳۱۶). تاریخ ایران در سده یازدهم و دوازدهم هجری. تهران: مرکزی.
- جزایری، عبدالطیف بن ابوطالب. (۱۳۶۳). تحفه العالم و ذیل التحفه. به کوشش صمد موحد. تهران: طهوری.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۵۴). تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس در ایران. تهران: انجمن آثار ملی.
- فرامرزی، احمد. (۱۳۴۶). کریم خان زند و خلیج فارس. تهران: چاپخانه داورپناه.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۲). بنوکعب عشایر مرزنشین جنوب خوزستان: از برآمدن تا برفتادن. ترجمه مصطفی نامداری منفرد. تهران: نشر شادگان.
- کسروی، احمد. (۱۳۷۳). تاریخ پانصد ساله خوزستان. تهران: خواجه.
- کشمیری، محمد. (۱۳۵۰). «تصرف بصره به دست ایرانیان در زمان شهریاری زند». مجله بررسی های تاریخی. سال ۶، ش ۱ و ۲. ص ۸۷-۱۲۶.
- لاکهارت، لارنس. (۱۳۵۷). نادرشاه. ترجمه مشفق همدانی. تهران: امیرکبیر.
- ملکم، جان. (۱۳۶۲). تاریخ ایران. ترجمه میرزا اسماعیل حیرت. به کوشش مرتضی سیفی و ابراهیم زند پور. ج ۲. تهران: یساوولی.
- نامی اصفهانی، محمدصادق. (۱۳۱۷). تاریخ گیتی گشا: در تاریخ زند. با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. تهران: اقبال.
- نصیری، محمدرضا. (۱۳۵۴). «چند سند تاریخی از دوره زند و قاجار». مجله بررسی های تاریخی. سال ۱۰، ش ۶. ص ۱۷۰-۱۳۳.
- نظامی، غلامحسین. (۱۳۸۳). نقش بصره و بندرهای کرانه های شمالی خلیج فارس در روابط ایران و عثمانی. بوشهر: انتشارات بوشهر.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۴۰). کریم خان زند. تهران: فرانکلین.
- ویلسون، آرنولد. (۱۳۱۰). خلیج فارس: مجموعه وقایع تاریخی و گزارش نظامی خلیج از قدیمی ترین ازمه تا اوایل قرن بیستم. ترجمه محمد سعیدی. تهران: چاپخانه فرهمند.
- هامر پورگشتال، یوزف. (۱۳۶۹). تاریخ امپراتوری عثمانی. به انضمام ذیل تاریخ امپراتوری عثمانی از هانری مانیه. ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیان فر. تهران: زرین.
- هدایتی، هادی. (۱۳۳۴). تاریخ زندیه. تهران: دانشگاه تهران.
- ورهرام، غلامرضا. (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند. تهران: معین.
- یاحسینی، قاسم. (۱۳۷۴). میرمهنای بندر ریگ. تهران: پروین.

زند از طریق بازرگانی خلیج فارس بود؛ لذا تدابیری چند برای بازگرداندن دادوستد به بوشهر اندیشیده و به کار گرفته شد؛ اما در نهایت و به علت نتیجه بخش نبودن رویکردهای اتخاذشده، کریم خان فتح بصره را به عنوان راهکار نهایی بازگرداندن بازرگانان انگلیسی به بوشهر برگزید. اگرچه تصرف بصره توسط سپاه شهریار زند عوامل دیگری چون تعدیات پاشای بغداد علیه زائران ایرانی و کمک وی به امام مسقط علیه ایران و ... داشت؛ اما با توجه به شرایط تاریخی و گسترش مناسبات تجاری میان کشورها می توان گفت مهم ترین عامل محرک این اقدام، کاهش درآمدهای مالیاتی و تجاری دربار زند به دلیل انتقال مرکز تجاری انگلیسی های از بوشهر به بصره بوده است.

منابع

- آصف، محمدهاشم (رستم الحکما). (۱۳۵۲). رستم التواریخ. به تصحیح محمد مشیری. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۴). تاریخ منظم ناصری. به تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- امین، عبدالامیر. (۱۳۷۰). منافع بریتانیا در خلیج فارس. ترجمه علی رجیب یزدی. تهران: امیرکبیر.
- بازن، پادری. (۱۳۶۵). نامه های طیب نادرشاه. ترجمه علی اصغر حریری. به کوشش بدرالدین یغمایی. گیلان: انتشارات شرق.
- پری، جان. ر. (۱۳۸۳). کریم خان زند. ترجمه علی محمد ساکی. تهران: آسونه.
- حائری، عبدالهادی. (۱۳۷۲). نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران: امیرکبیر.
- دوری، ل. (۱۳۷۹). «روابط ایران با امپراتوری عثمانی در سده های هجدهم و نوزدهم». مجله تاریخ روابط خارجی. ترجمه حسن زند. سال ۲، ش ۲. ص ۳۰-۱۱.
- رجیبی، پرویز. (۱۳۵۵). کریم خان زند و زمان او. تهران: امیرکبیر.
- زنگنه، حسن. (۱۳۷۷). میرمهنای شهر دریاها. قم: همسایه.
- شعبانی، رضا. (۱۳۷۷). تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشار. تهران: قومس.
- شعبانی، رضا. (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره های افشار و زند. تهران: سمت.